



## نگاهی به دیدگاه مشهور در هزینه کردن خمس

پدیدآورنده (ها) : احمدی، حبیب الله

فقه و اصول :: نشریه فقه :: بهار و تابستان ۱۳۷۶ - شماره ۱۱ و ۱۲ (ISC)

صفحات : از ۱۸۳ تا ۲۱۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/27103>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- تأثیر هوش هیجانی بر یادگیری زبان دوم
- روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث
- سلامت روان سالمندان: نقش بهزیستی معنوی و امیدواری
- رهن منفعت
- سپرده های بانکی «تطبیق فقهی و احکام آن»
- روش شناسی سیستمی چندگانه: رویکردی نوین در پژوهش های مدیریت
- سنخ شناسی نخبگان در پژوهش های تاریخی (نمونه: سنخ شناسی و تبیین جهت گیری سیاسی نخبگان شیعه امامیه در عصر عباسی)
- نقش مواجهه مسئله محور با آیه شاکله؛ رویکرد روش شناختی
- نقد قرانیان شیعه در به کارگیری روش تفسیری قرآن به سنت
- روش شناسی نقد حدیث (نقد متن محور بر اساس ادله عقلی)
- الگوی سیاست گذاری فرهنگی در قرآن کریم
- روش شناسی مطالعات تطبیقی در فقه اسلامی

## عناوین مشابه

- مولفه های کار شایسته از دیدگاه سازمان بین المللی کار با نگاهی به وضعیت آن در حقوق ایران
- مقایسه کارآمدی نظام ملی نوآوری ایران با کشورهای منتخب با تاکید بر باز کردن جعبه سیاه نوآوری و نگاهی تاریخی به وضعیت نظام ملی نوآوری در ایران
- تحولات تقنینی سنگسار در قانون مجازات جدید با نگاهی به دیدگاه مذاهب اربعه
- فردی کردن واکنش کیفری مرحله پیش دادرسی (تعقیب) در حقوق کیفری ایران با نگاهی به موازین قانونی مرتبط در حقوق فرانسه
- تحلیلی بر رویکرد نظام حقوقی ایران در قبال بیوتروریسم با نگاهی اجمالی به دیدگاه فقه اسلامی
- ترجمه کردن با لهجه: نگاهی به ترجمه ی گویش در ادبیات
- دیدگاه: نگاهی به نقش استراتژیک روابط عمومی ها در توسعه سازمانی و اجتماعی
- نگاهی به فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک ایتنایر
- هرمنوتیک و اصول فقه نگاهی به انواع قصدی گرایی در غرب و مقایسه آن با دیدگاه تفسیری اصولیان شیعه
- نگاهی به نظام حقوقی بودجه از دیدگاه برون سیستمی در ایران؛ بودجه نهادگرا

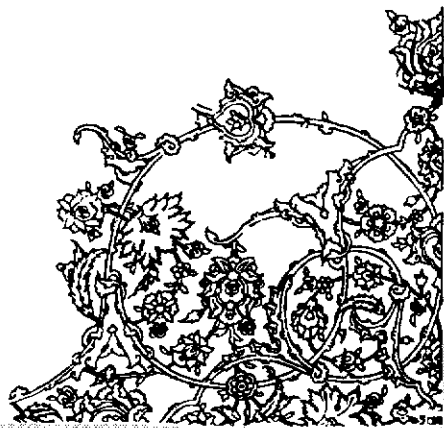
احکام الهی، براساس ملاک  
مصلحت سامان یافته اند. اگر حکمی  
در باب مالیات صادر می شود، یا برای  
هزینه کردن آن مطرح می گردد، با  
نگهداشت همین نکته است و سازواری  
بین مقدار مالیات، هزینه، مورد توجه  
است.

بی گمان، خمس که در برگیرنده  
یک پنجم غنائم جنگی، استخراج  
معادن، گنج و... است، قلم بسیار  
بزرگی است که جهت مصرف آن باید  
سازگاری درستی با مقدار آن داشته  
باشد.

با توجه به این دو نکته، دیدگاه  
مشهور را درباره هزینه کردن خمس، به  
بوته بررسی می نهیم. برابر دیدگاه  
مشهور فقیهان شیعه، در گذشته و  
حال، خمس بر شش سهم تقسیم  
می شود که نیمی از آن، در اختیار امام  
معصوم (ع) و نیمی دیگر در راه

## نگاهی به دیدگاه مشهور در هزینه کردن خمس

حبیب الله احمدی



بینوایان، یتیمان، در راه ماندگان و ...  
هزینه می شود:

شیخ مفید می نویسد:

«جعل السهم الخامس على ستة  
اسهم، منها ثلاثة له ... وثلاثة  
لثلاثة الاصناف من اهله، فسهم  
لايتامهم و سهم لمساكينهم و  
سهم لابناء السليلهم.»<sup>۱</sup>

خداوند، یک پنجم آن را [غنائم  
جنگی] به شش قسم تقسیم  
کرده: سه سهم در اختیار  
امام (ع)، سه سهم دیگر آن برای  
سه گروه از اهل بیت امام قرار  
داده است: یتیمان، فقیران و  
مسکینان و در راه ماندگان.

سید مرتضی می نویسد:

«الخمس على ستة اسهم، ثلاثة  
منها للامام القائم مقام  
النبي (ص) ... ثلاثة لليتامي  
والمساكين وابن السبيل.»<sup>۲</sup>

خمس، بر شش سهم، بخش  
می شود، سه سهم آن، از آن امام  
که جانشین رسول خدا (ص)  
است و سه سهم دیگر. برای  
یتیمان، مسکینان و در

راه ماندگان.

شیخ طوسی می نویسد:

«والخمس يأخذه الامام فيقسمه  
سنة اقسام: قسماً لله، قسماً  
للسول و قسماً لذی القربى ... و  
سهم لليتامى و آل محمد و سهم  
لمساكينهم و سهم لابناء  
سليلهم.»<sup>۳</sup>

خمس را امام می گیرد و بر شش  
قسم، بخش می کند: سهمی بر  
خدا و سهمی بر رسول خدا (ص)  
و سهمی برای ذوی القربی و  
سهمی بر یتیمان و سهمی بر  
مسکینان و سهمی برای در  
راه ماندگان.

در جای دیگر، وی، تعبیر به  
«عندنا» دارد که اشاره است به این که  
در نزد امامیه چنین است.

«عندنا أنّ الخمس يقسم ستة  
اقسام ...»<sup>۴</sup>

ابن زهره می نویسد:

«والخمس يقسم على ستة اسهم  
ثلاثة منها للامام القائم مقام  
النبي (ص) و ثلاثة لليتامى  
والمساكين وابن السبيل ...»

«هم ستة: الله تعالى ورسوله وذوی القربى... والیتامی والمساکین وابتاء السبیل.»<sup>۸</sup>  
 خمس برای شش گروه هزینه می شود: خدا و رسول خدا و ذوب القربى و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان.

محقق حلی می نویسد:

«یقسم ستة اقسام ثلاثة للنبی (ص) وهی سهم الله وسهم رسول وسهم ذی القربى.»<sup>۹</sup>  
 خمس، بر سه سهم بخش می شود: سه بخش آن برای خدا و رسول خدا و ذوی القربى و سه سهم دیگر، برای یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان.

شیخ یوسف بحرانی می نویسد:

«المشهور بین الاصحاب هو قسمة السهام الستة على المصارف الستة.»<sup>۱۰</sup>  
 مشهور بین اصحاب امامیه سهام ششگانه خمس، بر شش مورد مصرف آن بخش می شود.

شیخ محمد حسن نجفی

می نویسد:

وذلك بدلیل الاجماع.<sup>۵</sup>

خمس، بر شش سهم، بخش می شود: سه سهم آن، از امام (ع) که جانشین رسول خدا (ص) است و سه سهم دیگر برای یتیمان، مسکینان و در راه ماندگان... و دلیل این تقسیم، اجماع است.

همانند همین سخن را ابن زهره در وسیله دارد.<sup>۶</sup>

ابوالصلاح حلبی می نویسد:

«ویلزم من وجب علیه الخمس اخراجه من ماله و عزل شطره لوالی الامر... و اخراج شطر الآخر الی مساکین آل علی و جعفر و عقیل و العباس و ایتامهم و ابتاء سبیلهم.»<sup>۷</sup>

به کسی که خمس واجب شده، باید خمس را از مال خود جدا سازد و بخشی از آن را برای ولی امر و بخشی را برای فقیران، یتیمان و در راه ماندگان از آل علی (ع) و جعفر و عقیل و عباس هزینه کند.

علامه حلی می نویسد:

دیدگاه مشهور، نیمی از خمس را از آن سادات می‌داند و صاحب مال را هم عهده دار هزینه کردن آن می‌شناسد و نیمی دیگر که بنابراین دیدگاه از آن امام است، صاحبان دیدگاه مشهور فتوا می‌دهند که صاحب مال نمی‌تواند هزینه کند، باید در اختیار مراجع تقلید بگذارد.

در این جا، به بررسی دلیلهای دیدگاه مشهور می‌پردازیم و آن گاه از دیدگاهی که در برابر دیدگاه مشهور قرار دارد سخن خواهیم گفت.

### دلیلهای دیدگاه مشهور در هزینه کردن خمس

یادآوری: دیدگاه مورد پذیرش بیش تر فقیهان، اگر به اجماع و اتفاق آنان نیز بینجامد، در هنگامی که مدرک و دلیل آنان برای ما روشن باشد، نمی‌تواند دلیل مستقلى در کنار دیگر دلیلهای خودنمایی کند.

آنچه این گروه بر آن اتفاق دارند، یک گونه برداشت از آیات و روایات است و اگر برداشت از سوی گروهی پذیرفته نشد، حرکت اینان علیه اجماع

«المشهور بین الاصحاب شهرة عظيمة کادت تكون اجماعاً.»<sup>۱۱</sup>  
این مسأله تا آن جا شهرت دارد که نزدیک به اجماع و اتفاق علمای شیعه است.

سید محمد کاظم طباطبایی یزدی می‌نویسد:

«يقسم الخمس ستة اسهم على الاصح. سهم لله و سهم للنبي و سهم للامام... وثلاثة للايتام و المساكين و ابناء السبيل.»<sup>۱۲</sup>  
خمس، بر شش سهم بخش می‌شود: سهمی برای خدا، سهمی برای رسول خدا(ص) و سهمی برای امام و سه سهم دیگر آن، از آن یتیمان، مسکینان و در راه ماندگان است.

بیش تر فقیهان که بر عروة الوثقی سید یزدی، حاشیه دارند، این دیدگاه را پذیرفته‌اند و در رساله‌های عملیه فقیهان معاصر نیز، این دیدگاه، نموده شده است.

جهت مصرف روشن شد، اکنون ببینیم، چه کسی باید عهده دار این مسؤولیت باشد و خمس را هزینه کند.

است .

این برداشت را آیه مصرف زکات نیز ، تأیید می کند :

«انما الصدقات للفقراء  
والمساكين والعاملين عليها  
والمؤلفة قلوبهم وفي الرقاب  
والمغارمين و في سبيل الله وابن  
السبيل ...»<sup>۱۴</sup>

در این آیه ، تنها در مورد اول و معطوف علیه لام آورده شده و دیگر مرودها ، با او عطف شده اند و همان مالک بودنی که برای «فقرا» در مصرف زکات استفاده می شود ، برای هفت مورد دیگر نیز ، استفاده می شود .

#### نقد استدلال

استفاده این نکته که خمس بر شش سهم بخش شده و نیمی از آن ، مال سادات است ، از آیه آسان نخواهد بود ؛ زیرا در این آیه احتمال دیگری هم می رود که در این احتمال ، سخن از تقسیم خمس نیست ، بلکه آیه کل خمس را از خدا ، رسول خدا و سپس از امام می داند و سادات ، تنها در مصرف ، شایسته پیش داشتند و از آیه

نباید به شمار آید .

۱ . آیه خمس : نخستین دلیلی که بر دیدگاه مشهور اقامه شده ، ظاهر آیه شریفه خمس است :

«واعلموا انما غنمتم من شيء فان  
لله خمسة وللرسول ولذی القربى  
والیتامى والمساكين وابن السبيل  
وان كنتم ائمتم بالله ...»<sup>۱۳</sup>

آیه شریفه ، شش مورد برای هزینه کردن خمس بر می شمارد که سه مورد نخست ، با لام ملکیت آمده اند و سه مورد پسین ، با او بر مورد نخست عطف شده اند که معنای ظاهر آن چنین می شود :

خمس ، بر شش سهم ، بخش می شود : سهمی از آن خدا ، سهمی از آن رسول خدا ، سهمی از آن ذی القربى و سه سهم دیگر ، از آن سه گروه دیگر . این سخن ، آشکاراً دلالت بر تقسیم خمس بر شش سهم دارد و دلالت می کند سه سهم ، از آن سادات است ؛ زیرا او عطف ، معطوف را در جای معطوف علیه قرار داده و همان گونه که سه سهم معطوف علیه ، ملک صاحبان سهم می شود ، در معطوف نیز چنین

شریفه مالک بودن سادات استفاده نمی شود. این احتمال، با آیه فیء و انفال، هماهنگی دارد و در هر دو آیه تعبیر یکسان و مفهوم و محتوای یکی است.

اگر قوی تر از آن احتمال نباشد، همپای آن خواهد بود که شرح آن خواهد آمد.

۲. مرسله حماد: حماد از امام کاظم (ع) نقل می کند که امام فرمود:

«... یقسم الخمس علی ستة اسهم، سهم لله و سهم لرسول الله (ص) و سهم لذی القریبی و سهم لیتامی و سهم للمساکین و سهم لابناء السبیل.»

فسهم الله و سهم رسول الله لاولی الامر من بعد رسول الله و رائة فله ثلاثة اسهم: سهمان و رائة و سهم مقسوم له من الله وله نصف الخمس کملاً و نصف الخمس الباقی بین اهل بیه، فسهم لیتامهم و سهم لمساکینهم و سهم لابناء سبیلهم یقسم بینهم علی کتاب و السنة ما یستغنون به فی ستهم فان فضل عنهم شیء

فهو للوالی وان عجز او نقص عن استغنائهم کان علی الوالی ان ینفق من عنده... ۱۵»

صورت استدلال به روایت، روشن است؛ زیرا جمله خبریه در مقام انشاء، به کار برده شده:

«یقسم الخمس علی ستة اسهم» که دلالت بر وجوب با تأکیدتر و شدیدتر از جمله انشائیه است. افزون بر این، در ضمن روایت می فرماید: سهم امام معصوم از خمس، تنها نیمی از آن است: «وله نصف الخمس کملاً» آن گاه به روشنی می گوید که نیمی دیگر، از آن سادات است: «ونصف الخمس الباقی بین اهل بیه...»

روایت، گرچه از نظر سند، مرسل است، ولی مرسل شخصی چون حماد از اصحاب اجماع است و افزون بر این، مشهور فقیهان، به مضمون این روایت عمل کرده اند و اگر ضعفی هم باشد، از این راه جبران می شود.

نکته ای در ذیل روایت آمده که درخور توجه است: اگر چیزی از سادات افزون شد از امام است و یا اگر چیزی از آنان کم آمد و خمس نیاز آنان



ابناء سیلهم. ۱۷»

خمس، بر شش بخش،  
سهم بندی می شود: امام، سه  
سهم خدا و رسول (ص) و امام را  
می گیرد و سه سهم دیگر از آن  
مسکینان و در راه ماندگان و  
ابن سبیل است.

#### نقد روایات مرسل

می توان گفت: بهترین دلیل بر  
دیدگاه مشهور در مرسله حماد  
و احمد بن محمد است که عمل  
اصحاب به مضمون آنها، ضعف سند  
را جبران می کند؛ از این روی، در نزد  
مشهور پیشینیان این روایات اعتبار  
داشته و برابر آنها فتوا داده اند. با این  
حال، امکان دارد استدلال مشهور را  
چند چیز مخدوش کند:

الف. مرسل بودن سند هر دو  
روایت ضعفی است که با عمل  
اصحاب به آنها، خواسته اند آن را  
جبران کنند، ولی روشن است که عمل  
اصحاب، در جایی جبران کننده ضعف  
سند می تواند باشد که قطع حاصل  
شود، مستند مشهور، همین دو روایت

را بر نیاورد، امام از جای دیگر، نیاز  
آنان را بر می آورد.

۳. مرسله احمد بن محمد:

«فأما الخمس فيقسم على ستة

اسهم ...» ۱۶

این روایت، بسان روایت پیشین،  
دو بخش از فتوای مشهور را پوشش  
می دهد: تقسیم شدن خمس به شش  
بخش و بودن نیمی از خمس، از آن  
سادات.

و نیز، این روایت نکته بسان نکته  
پایانی روایت پیشین دارد: اگر نیمی از  
خمس، نیاز سادات را بر نیاورد، امام  
باید نیاز آنان را از جای دیگر بر آورد و  
اگر افزون بر نیاز آنان بود، در اختیار  
امام گذارده می شود، تا در جاهای  
دیگر هزینه کند.

۴. و بسان این دو روایت، روایتی

است که سید مرتضی در محکم و  
متشابه، از تفسیر نعمانی نقل می کند:

«يجرى هذا الخمس على ستة

اجزاء فيأخذ الامام منها سهم الله

وسهم الرسول ولذی القربى، ثم

يقسم الثلاثة السهام الباقية بين

يتامى آل محمد و مساكينهم و

بوده و دلیل دیگری در بین نبوده است. با وجود ظاهر آیه شریفه و روایات دیگر باب، چگونه می توان گفت، مستند مشهور در فتوای خود، این دو روایت بوده است؟ افزون بر این، مرسله احمد بن محمد، افزون بر مرسله بودن مرفوعه هم هست. مروی عنه، یاد نشده که امام است، یا غیر امام.

ب. معنی و محتوای روایت، گرچه در ظاهر و با نگاه سطحی، هماهنگ با فتوای مشهور است، لیکن، با ژرف نگری در متن روایت، روشن می شود که این دو روایت، بر آنند که سادات را پیش بدارند و نخست نیازهای آنان را برآورند: نیازهای سادات فقیر، باید از خمس برآورده شود، گرچه نیمی از خمس در راه برآوردن نیازهای آنان هزینه شود؛ زیرا اینان از زکات محروم هستند.

شاهد بر این مطلب، نکته ای است که در هر دو روایت مرسل، وجود دارد: امام، باید نیازهای سادات را برآورد، اگر از نیمی از خمس که باید در راه سادات هزینه شود، چیزی افزون شد، در اختیار امام گذارده

می شود و اگر نیمی از خمس، نیاز سادات را بر نیاورد، بر امام است که از جای دیگر، زندگی آنان را اداره کند.

این فراز که یاد شد، به خوبی دلالت می کند که خمس، به دست امام است و امام مسؤول برآوردن نیازهای سادات است.

این نکته، ظهور روایت را در لازم بودن بخش کردن خمس، به شش سهم و این که تنها نیمی از خمس در اختیار امام گذارده شود، سست می کند.

ناگزیر نیستیم بر این گونه تقسیم و آن تعیین ندارد. این یک گونه تقسیم است که اگر امام، صلاح دید می تواند خمس را در شش قسم، قسم بندی کند.

اشکال: این سخنان، ناسازگاری ندارد با اینکه سهم سادات، ملک امام نباشد.

تنها سهم امام، ملک امام بوده باشد و در سهم سادات، تنها اختیار مصرف با امام است.

پس این سخنان، از این روست که امام اختیار دار هزینه کردن سهم سادات است.

جواب: البته اگر دلیل روشنی

این روایات، با حکمت جعل خمس، سازگاری ندارد؛ زیرا هیچ گونه سازواری بین نیمی از خمس و سه گروه از سادات: مسکینان، یتیمان و در راه ماندگان وجود ندارد. چطور می شود که نیمی از خمس، که سرمایه کلان است، مال یک گروه باشد که چه بسا، یک هزارم آن، نیاز آنان را برآورد. حتی این اندازه از سرمایه، با کل جمعیت سادات سازگاری ندارد، تا چه رسد به گروه اندکی که مسکینان و یتیمان و در راه ماندگان سادات باشد.

این اشکالها، درباره روایت رساله محکم و متشابه هم وجود دارد، زیرا آن روایت هم از نظر سندی ارسال دارد و هم از جهت متن، دلالت و سازگاری با فتوای مشهور ندارد.

۵. مرسله ابن بکیر: ابن بکیر، به گونه ارسال، از امام باقر، یا صادق (ع) نقل می کند وقتی از امام درباره آیه خمس پرسش شد، فرمود:

«خمس الرسول للامم و خمس ذوی القربی لقرباه الرسول و الامام و الیتامی، یتامی آل الرسول و المساکین منهم و ابتاء السبیل

می بود که امام، تنها مالک سهم امام است، می شد این گونه تعبیرها را حمل بر این نکته کرد که چون اختیار سهم سادات هم به دست امام است، از کل خمس، چنین تعبیر شده. لیکن فرض این است که چنین دلیلی در کار نیست. آیا معنی و محتوای این دو روایت این است که نیمی از خمس از امام و نیمی دیگر از آن سادات است و امام مسؤول هزینه کردن آن؟ یا چنین ظهوری ندارد.

روایت در مقام بین این است که مسؤول بر آوردن نیازهای سادات امام است. اگر خمس وجود داشت، امام نیازهای آنان را از خمس بر می آورد و اگر وجود نداشت از جای دیگر بر می آورد.

به دیگر سخن، این روایت، چگونه تقسیم خمس را در شرایط ویژه، بیان می کند. وقتی که سادات نیازمند، وجود دارد، خمس به دو بخش سهم بندی می شود و نیمی برای نیازهای سادات هزینه می گردد و اگر بسنده نبود، امام، از جای دیگر، باید نیازهای آنان را برآورد.

ج. افزون بر این، معنی و محتوای

«لو كان العدل ما احتاج هاشمی  
ولامطلبی الی صدقة ان الله جعل  
لهم فی کتابه ما كان فیہ  
سعتهم». ۱۹

از ظاهر روایت بر می آید که اگر  
نظام عدل برپا باشد، هیچ گاه سادات،  
نیازمند صدقه نمی شوند؛ زیرا خدای  
سبحان، در کتاب خود، آن مقدار برای  
سادات در نظر گرفته که زندگی آنان،  
آبرومندانه و با گشایش اداره شود.

در روایت، تعبیر به «جعل لهم»  
شده؛ یعنی خدا برای آنان قرار داده است  
و از این جا روشن می شود: آیه خمس  
سه سهمی که برای سادات قرار داده،  
ملک آنان است. نقد استدلال به  
صحیح زاره: این استدلال نیز ناتمام  
است؛ زیرا اگر نیمی از خمس مال  
سادات بود، نه امام، چرا امام در این  
روایت فرمود: اگر نظام عدل برپا بود،  
سادات نیازمند نمی شدند؟ باید امام  
می فرمود: اگر مردم وظیفه خود را انجام  
می دادند و سهم سادات را می پرداختند،  
سادات نیازمند نمی شدند، تا برابر  
دیدگاه مشهور باشد.

این که امام می فرماید: اگر عدل

منهم فلا یخرج منهم الی  
غیرهم». ۱۸

روایت دلالت دارد که سهم رسول  
و ذوی القربی از امام است و سه سهم  
دیگر، از آن سه گروه از سادات و به  
دیگران پرداخت نمی شود.

از این جا روشن می شود که این سه  
سهم ملک سادات است و گرنه چرا  
نشود در جای دیگر هزینه کرد.

بر این روایت، دو خدشه وارد  
است:

الف: از نظر سند مرسل است.

۲. محتوای روایت، هماهنگ با  
فتوای مشهور نیست؛ زیرا روایت  
تأکید دارد که سادات، باید با خمس  
اداره شوند و تا در بین آنان نیازمند  
وجود دارد، نباید خمس را در راه و  
جای دیگر هزینه کرد.

حال اگر از نیاز آنان افزون شد، آیا  
نباید در جای دیگر هزینه کرد؟ این را  
دلالت ندارد و این، همان شایستگی در  
مصرف را بیش تر دلالت ندارد.

۶. صحیح زاره: در روایتی  
صحیح و معتبر و موثق، زاره از امام  
صادق نقل می کند که امام فرمود:

به این نکته نباشد که در برابر خاندان بنی امیه و بنی عباس که بر آن بودند خاندان رسول (ص) را نابود کنند و آنان را به فقر و تهی دستی بکشند و از گردونه جامعه خارج سازند، ائمه (ع) و فقیهان بزرگوار شیعه، برای نگهداری سادات، اصرار داشتند که نیمی از خمس را ویژه آنان سازند.

#### دیدگاه برابر مشهور

در برابر دیدگاه مشهور، دیدگاه دیگری وجود دارد که باور دارد خمس، به دو بخش مساوی تقسیم نمی شود، نیمی از خمس هم، ملک سادات نیست، بلکه خمس، مالیات حکومتی است که در زمان رسول خدا (ص) در اختیار ایشان بوده و پس از آن حضرت، همه خمس، در اختیار جانشین وی قرار گرفته است. البته، چون سادات از زکات بی بهره اند، در هزینه کردن، خمس، پیش داشته می شوند.

#### دلایلهای دیدگاه غیر مشهور

اگر دلیلی وجود نداشت که مالیات در راه ویژه ای هزینه شود، به طور

باشد، سادات نیازمند نمی شوند، دانسته می شود که خمس در اختیار نظام عدل است و این امام عدل است که اگر قدرت داشته باشد، خمس را گرد می آورد و در موارد لازم، هزینه می کند.

افزون بر این، «جعل لهم» بیش از اختصاص را نمی رساند، بسان این که گفته شود: مدرسه برای شماست، شهر برای شماست و... این سخنان، گویای مالک بودن کسی نیست، تنها، اختصاص را دلالت دارد.

در هر صورت، اینها دلیلهایی بود که برای نظر مشهور استناد شد و دیدید هیچ کدام، بی خدشه نبود. از این روی، دیدگاه مشهور، پایگاه مستدل و استوار ندارد و شاید انگیزه این که پیشینیان اصحاب امامیه و پسینیان آنان، نیمی از خمس را از آن سادات دانسته اند، این باشد که شیعه در درازای دوران غیبت، از حکومت عدل بی بهره بوده، تا حکومت اداره سادات را عهده دار باشد، از این راه خواسته اند به فرزندان رسول خدا (ص) توجه ویژه کرده باشند.

روایات هم، چه بسا، بدون اشعار

لله خمسہ وللرسول ولذی القربی  
والیتامی والمساکین وابن  
السبیل .  
در آیه دیگری درباره انفال  
می فرماید:

« ما افاء الله علی رسوله من اهل  
القری فله وللرسول ولذی القربی  
والیتامی والمساکین وابن  
السبیل . »<sup>۲۰</sup>

چون هر دو آیه یک روش و یک  
آهنگ دارند، معنی و محتوای آن دو نیز  
یکی است. آیه خمس را با آیه انفال  
باید کنار هم نهاد، نه با آیه هزینه کردن  
زکات؛ زیرا در این دو آیه، عبارت  
یکسان است.

آیه را با چشم پوشی از روایات،  
باید مورد دقت قرار داد و پس از آن به  
سراغ روایات رفت که روایات، قیدی  
به آیه می زنند، یا خیر؟

برای روشنگری معنای آیه، باید به  
چند پرسش پاسخ داد:

\* آیا مالک بودن خدا، رسول خدا  
و امام که در این آیه به آن اشاره شده،  
اعتباری است، یا تکوینی؟

\* آیا مالک بودن موارد یاد شده، در

طبیعی این اندازه بسیار مالیات  
گردآوری شده در جامعه را باید  
زامدار هزینه کند. اگر هیچ دلیلی هم  
بر این مطلب نداشته باشیم، سازواری  
حکم و موضوع، طبع قضیه، حکم  
می کند که خمس و مانند آن در اختیار  
زامدار قرار بگیرد، تا او در راه  
مصالح مردم، هزینه کند.

با این حال، دلیلهای بسیاری برای  
دیدگاه غیر مشهور وجود دارد که  
می توان به آنها استناد کرد:

### آیات

از آن جا که در آیات قرآن،  
احتمالهای گوناگون می رود،  
همان گونه که به آیاتی از قرآن، برای  
دیدگاه مشهور استناد شده، به همان  
آیات برای دیدگاه غیر مشهور استناد  
شده که برابر با ظاهر آیه خمس  
و هماهنگ با آیه همانند آن در مورد فیه  
و انفال است.

در قرآن، دو آیه، با یک تعبیر، درباره  
دو موضوع مهم اقتصادی وجود دارد:  
یکی درباره خمس که می فرماید:

«واعلموا انما غنمتم من شیء فان

اعتبار مالک بودن نیز، اشکالی نخواهد داشت و نتیجه مالک بودن اعتباری، اختیار داشتن در هر گونه دست یازی

### در برابر

### دیدگاه مشهور،

### دیدگاه دیگری وجود

### دارد که باور دارد خمس،

به دو بخش مساوی تقسیم

نمی شود، نیمی از خمس هم،

ملک سادات نیست، بلکه خمس،

مالیات حکومتی است که در زمان

رسول خدا(ص) در اختیار ایشان

بوده و پس از آن حضرت، همه

خمس، در اختیار جانشین وی

قرار گرفته است. البته، چون

سادات از زکات بی بهره

اند، در هزینه کردن،

خمس، پیش داشته

می شوند.

است؛ یعنی خردمندان وقتی برای کسی مالک بودن را اعتبار می کنند، وی را صاحب اختیار می دانند و

برابر و عرض یکدیگرند، به گونه ای، آن سهمی که یکبار موارد، مالک می شود، دیگری بی بهره از آن است، یا این که یک ملکیت بیش تر نیست؛ یعنی مالک بودن موارد یاد شده، در طول یکدیگرند. همه آنچه را که مورد نخست، مالک است، در مرحله دوم، مورد دوم و آن گاه مورد سوم، اختیار دار آن است.

\* چرا سه مورد نخست، با لام ملکیت آمده، ولی سه مورد بعدی، در هر دو آیه، بدون لام ملکیت آورده شده است؟

### مالک بودن اعتباری خداوند

گاهی گفته می شود: از آن جا که خداوند مالک نظام هستی است و تمام عالم امکان در ید قدرت تکوینی اوست، مالک بودن اعتباری در حق خدا، درست نیست و نتیجه ای بر آن بار نمی شود.

این سخن درست نیست؛ زیرا مالک بودن اعتباری، یک امر عقلایی و خردمندانه است و هر جا که نتیجه خردمندانه بر آن بار و انگاشته شود،

هرگونه دست یازی او را روا و مشروع می دانند؛ از این روی، اعتبار مالک بودن برای خداوند، بی اشکال است.

از آن جا که در مورد رسول خدا و امام مالک بودن اعتباری است؛ زیرا آنان بر خمس و زکات، تکوینی مالک نیستند، برای یکسانی روش و آهنگ آیه، در مورد خداوند هم، مالک بودن اعتباری خواهد بود.

نتیجه این مالک بودن، در اختیار خداوند بودن خمس و زکات است و خداوند هم، رسول و امام را مالک قرار داده، پس مالک بودن خداوند، رسول و امام، اعتباری است.

### مالک بودن عرضی و طولی

اما درباره پرسش دوم که آیا مالک بودن یاد شده ها در آیه شریفه، در عرض یکدیگرند، یعنی خدا، رسول و امام، هر یک سهمی و سادات هم سه سهم، هر کدام از شش مورد،  $\frac{1}{6}$  را مالک خواهند بود که مالک بودن هر یک، در برابر و عرض یکدیگر قرار دارد؟

یا این که آیه شریفه، یک ملکیت را

برای چند مورد، به گونه هماهنگ و در طول، اعتبار کرده است. مالک تمامی خمس، خدا، رسول و پس از رسول، امام خواهد بود.

با ظاهر آیه شریفه، احتمال دوم هماهنگ تر است؛ زیرا می فرماید: خمس از آن خداست و همان، از آن رسول و امام و در اختیار آنان خواهد بود  $\frac{1}{5}$  غنائم از آن خداست، نه  $\frac{1}{6}$  از  $\frac{1}{5}$ . بنابراین مالک بودن عرضی،  $\frac{1}{6}$  از خمس از آن خدا و  $\frac{1}{6}$  از آن رسول و  $\frac{1}{6}$  از آن امام است و حال آن که آیه می فرماید: همه خمس، یعنی  $\frac{1}{5}$  غنائم از خداست و همان  $\frac{1}{5}$  از رسول خدا و امام. این که کسی بگوید: خمس غنائم از خداست و منظور وی  $\frac{1}{6}$  از خمس باشد، با ظاهر آیه شریفه نمی سازد.

آیه می فرماید: «فان لله خمس» اگر می فرمود: «فان خمس لله وللرسول ولذی القربی» با تقسیم سهام، سازگار بود، در حالی که فرمود: «فان لله خمس».

افزون بر این مگر همین تعبیر، در آیه انفال نیست؟ چگونه کسی در آن جا



و بسان آیه انفال، که تمامی انفال را از آن خدا می‌داند، همه خمس از آن خدا خواهد بود و خدا هم خمس را در اختیار رسول خود قرار داده و پس از رسول، در اختیار امام قرار می‌گیرد. بنابراین احتمال، پاسخ پرسش سوم نیز روشن می‌شود که جایی برای مالک بودن سادات باقی نمی‌ماند.

#### بیان مصرف

از سخن بالا، روشن شد که لام ملکیت چرا در سه مورد نخست آمده و در سه مورد بعدی در هر دو آیه نیامده است. زیرا دو آیه شریفه، همه خمس و همه انفال را یک ملک اعتبار کرده‌اند، برای سه مورد نخست در طول یکدیگر و دیگر موردی برای مالک بودن سادات، یا مسکینان، چه سادات و چه غیر سادات، باقی نمی‌ماند. بنابراین هم در آیه خمس و هم در آیه انفال، سه گروه دیگر، چه سادات در آیه خمس و چه غیر سادات در آیه انفال، موارد مصرف هستند، از این روی لام ملکیت در آنها آورده نشده است. این معنای ظاهر آیه خمس است

نمی‌گوید فلان سهم از انفال از خدا، یا رسول، یا امام است. همگان می‌گویند: همه انفال، از خداست و خدا هم، انفال را در اختیار رسول قرار داده و پس از رسول، همه انفال، در اختیار امام قرار می‌گیرد. در آیه خمس هم، همان تعبیر آمده، چگونه در آیه خمس، سخن از تقسیم سهام است و در انفال نیست؟

آیا این تقسیم سهام و بار کردن بر آیه، خلاف ظاهر نیست؟

آیا قسم بندی خمس یک برداشت از روایات مرسله نیست که شماری پیش از روشن کردن معنی و محتوای آیه، به سراغ آنها رفته‌اند و برداشتی که از روایات داشته‌اند، بر آیه هم جریان داده‌اند؟ آیا این روش، در معنی کردن آیه درست است؟ یا باید در ابتدا به سراغ خود آیه رفت و وقتی که معنای آیه روشن شد، به سراغ روایات رفت و دید که آیا روایات، با آیه هماهنگی دارند، یا ندارند، یا گستره آیه را تنگ می‌کنند، یا مخصص و مقید آیه‌اند.

بنابراین، از ظاهر آیه خمس بر می‌آید، مالک بودن در آن طولی است

حکومتی و اجرایی نداشتند، لیکن از همان اندازه نفوذی که در بین پیروان خود داشتند، در امور اقتصادی استفاده می کردند و کسانی را که به عنوان وکیل به شهرها و دیه های و قریه های دور و نزدیک می فرستادند و آنان از مردم خمس را می گرفتند و به خدمت امام ارسال می داشتند، یا با اجازه امام هزینه می کردند. در جایی نقل نشده که وکیل و نماینده امام، نیمی از خمس را گرفته باشد و نیمی را در اختیار صاحب مال گذاشته باشد، تا هزینه کند.

البته اگر موردی این چنین هم پیدا شود که امام، نیمی از خمس را اجازه داده که صاحب مال هزینه کند، ناسازگاری با این مطلب ندارد که امام اختیار دار همه خمس است، زیرا امام هرگونه که صلاح بداند درباره هزینه کردن خمس، می تواند دستور بدهد.

ولی آنچه از سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) به دست می آید، گرفتن همه خمس از کسانی بوده که خمس بدهکار بوده اند، حتی در دوران غیبت صغرا، نمایان ویژه حضرت، تمام خمس را از بدهکاران خمس، درخواست

که با آیه انفال هماهنگی دارد و به آن تأیید می شود و همین معنی هم حجت است، مگر روایتی، این معنی را محدود کند و مهم ترین روایاتی که شاید در برابر این معنی باشد، همان روایاتی بود که برای ثابت کردن دیدگاه مشهور یاد شد، که هم از نظر سند و هم از نظر دلالت، بر آنها خدشه وارد بود. پس دلیلی بر قید زدن معنای آیه وجود ندارد، بلکه روایات بسیاری، همین معنی را یاریگرند که پاره ای از آنها، به عنوان دلیل مستقل عنوان می شود.

### سیره پیامبر (ص) و امامان (ع) در خمس

از بررسی جنگهای پیامبر (ص) بر می آید که آن حضرت، در هر جنگی، غنیمتهای جنگ را که از موارد خمس است، در اختیار می گرفت و آن گاه به صلاح اندیشی خود، به پنج قسم، یا کم تر و یا بیش تر، سهم بندی می کرد. این سیره، پس از رسول خدا (ص) در بین امامان (ع)، کم و بیش رواج داشت. گرچه امامان (ع) قدرت

امام، یاد شده است: «لیقضی حقی»<sup>۲۵</sup>.

یا نمایندگان امام جواد، مانند: صالح بن محمد سهل الهمدانی<sup>۲۶</sup> و ...

یا نمایندگان امام هادی (ع)، مانند: علی بن جعفر<sup>۲۷</sup>، محمد بن داود قمی، محمد بن اسطرحی<sup>۲۸</sup>، ابراهیم بن محمد همدانی<sup>۲۹</sup>، همه خمس را می گرفتند و برای امام می فرستاده اند.

این سیره همیشگی و پیوسته و کیلان امامان (ع) بوده است.

یا وقتی خود امام به گونه عمومی دستور می دهد که همه خمس مال ناصبی را می خواهد:

«خذ مال الناصب حیثما وجدته

وادفع الینا الخمس»<sup>۳۰</sup>

نشانگر این معناست که همه خمس از آن امام و در اختیار اوست که به هرگونه صلاح بداند، هزینه کند.

این که کسی بگوید: امام نیمی از خمس را که از آن وی نبوده و سادات مالک آنها بوده اند، درخواست می کرده، از باب ولایت بوده، سخنی

می کرده اند و بر این نکته، همگان اتفاق دارند.

علی بن یقظین از اصحاب امام کاظم (ع) و وکیل و کارگزار امام کاظم (ع) در دستگاه بنی عباس، خمس را پنهانی برای امام (ع) می فرستاد.<sup>۲۱</sup> و نیز زیاد بن مروان، علی بن حمزه بطائنی و عثمان بن عیسی رواسی نمایندگان امام کاظم (ع) بودند و پس از شهادت امام کاظم (ع)، وجود دهها هزار درهم و دینار خمس در نزد آنان، سبب شد در امر امامت امام رضا (ع) تردید کنند و بر امام کاظم (ع) وقوف داشته باشند<sup>۲۲</sup> و در تاریخ هیچ گاه نقل نشده که تنها سهم امام را می گرفته اند و سهم سادات را به خود صاحبان مال وا می گذاشته اند.

همچنین نمایندگان و کیلان امام رضا (ع)، مانند: علی بن راشد، علی بن الحسین عبد ربّه<sup>۲۳</sup>، عبدالعزیز بن المهتدی<sup>۲۴</sup>، همه خمس را می گرفته اند و در جایی نداریم که ایشان، تنها سهم امام را می گرفته اند. حتی در توقیع حضرت به علی بن راشد، از کل خمس به عنوان حق

است سست و بدون دلیل . باید دلیلی بر مالک بودن سادات داشت و آن گاه این سخن را گفت و روایات را بدین گونه جمع کرد . وقتی دلیلی بر مالک بودن سادات در دست نیست ، جایی برای این حرف وجود ندارد .

### روایات

روایات بسیار ، در بابهای گوناگون ، دلالت بر این نکته دارند که خمس ، مالیات حکومتی و در اختیار امام و زمامدار اسلامی است . در بسیاری از این روایات ، خمس در کنار انفال قرار گرفته است . از آن جا که این روایات ، بسیارند و به حدّ مستفیض می رسند ، نیازی به بررسی سند تک تک آنها نیست ، گرچه در بین آنها ، روایات صحیح و موثق نیز ، بسیار وجود دارد .

۱ . محمد بن مسلم از امام باقر (ع) روایت می کند که فرمود :

«الخمس لله وللرسول ولنا» . ۳۱

این روایت ، به همان مالک بودن طولی که اشاره شد ، دلالت دارد .

۲ . حارث بن مغیره از امام باقر (ع)

نقل می کند که فرمود :

«ان لنا الخمس فی کتاب الله ولنا

الانفال» . ۳۲

امام در این روایت ، خمس را در کنار انفال قرار می دهد و اشاره می فرماید که در کتاب خدا ، برای ما خمس و انفال قرار داده شده است .

این سخن ، اشاره به دو آیه خمس و انفال دارد که با یک تعبیر ، هم خمس و هم انفال را ملک امام قرار داده بودند .

۳ . محمد بن فضیل ، از امام رضا (ع) نقل می کند که فرمود :

«الخمس لله وللرسول

وهولنا» . ۳۳

این روایت هم ، مالک بودن طولی را تأیید می کند .

۴ . محمد بن زید طبری ، از امام

رضا (ع) نقل می کند که فرمود :

«ان الخمس عوننا علی دیننا وعلی

عیالنا ... فلاتزوه عنا» . ۳۴

خمس ، تقویت دین و کمک به بنیة اقتصادی ذریه رسول خدا (ص) است ، آن را از ما دریغ ندارید .

۵ . بسان این روایت ، روایت

بین سهم بران، سهم بندی شود، از این روی، از امام می پرسد: اگر یک گروه از سهم بران کم بودند و گروه دیگر، بسیار، به گونه ای که سهم آنان، بسنده آنان نبود و از سویی، سهم آنان که کم شمارند، زیاد آمد، چه باید کرد؟

امام می فرماید: این در حوزه اختیار امام است، بسان رسول خدا. پیامبر (ص) با خمس چه می کرد؟ مگر به صلاح اندیشی خود، هزینه نمی کرد: «يعطى على ما يرى» امام هم، همان گونه عمل می کند، یعنی به صلاح اندیشی خود، به هزینه کردن خمس می پردازد. این مضمون، در ذیل این صحیحه، به خوبی دلالت دارد که خمس، در اختیار امام قرار می گیرد و امام حق هرگونه صلاح اندیشی درباره آن را دارد.

۸. از روایاتی که دلالت می کند خمس، یک حق حکومتی است و در اختیار امام قرار می گیرد، روایات بسیار تحلیل است.

در این روایات، امامان (ع) پاره ای از موارد خمس را بر شیعه حلال کرده اند.

خفص بختری است که سند صحیحی دارد. امام صادق به عنوان دستور عام می فرماید:

«خذ مال الناصب حيث وجدته وادفع الينا الخمس». <sup>۳۵</sup>

هر جا ناصبی یافتی، خمس مال وی را بگیر و برای ما بفرست.

۶. مرسله عباس بن وراق به نقل از

امام صادق (ع):

«اذا غزوا بامر الامام، فغنموا كان للامام الخمس». <sup>۳۶</sup>

وقتی که جنگ با اجازه امام باشد، خمس غنائم آن، از امام است.

۷. در روایت صحیح، ابی النضر

از امام صادق نقل می کند که فرمود:

«ما كان لرسول الله فهو للامام فقیل له افرأيت ان كان صنف من الاصناف اكثر و صنف اقل ما يصنع به، قال ذاك الى الامام. رأيت رسول الله (ص) كيف يصنع اليس انما كان يعطى على ما يرى كذلك الامام». <sup>۳۷</sup>

در این روایت، راوی چنین می پنداشته که خمس باید به گونه برابر

در صحیحۀ زراره آمده است :

«ان امیر المؤمنین (ع) حللهم من  
الخمس، یعنی الشیعه لیطیب  
مولدهم. ۳۸۴»

این روایات، اشاره به جریانی دارد که در زمان حضرت امیر (ع) رخ داده بود. کنیزانی که به عنوان غنائم جنگی، در جنگها به اسارت درآمده بودند، بدون پرداخت خمس آنها، دست به دست می شدند و مسلمانان آنان را خرید و فروش می کردند و این، مشکلی در حلال بودن ازدواج با آنان به وجود آورده بود. امام برای آسان شدن امر بر شیعه، خمس را در این گونه موارد، بر شیعه حلال کردند.

اکنون، این پرسش به میان می آید که اگر نیمی از خمس از آن امام است و نیمی دیگر از آن سادات، چگونه امام تمام خمس را حلال می کند؟ در روایات تحلیل، سخن از حلال کردن همه خمس است بر شیعه، نه نیمی از آن. افزون بر این، با حلال کردن نیمی از خمس، مشکلی که پدید آمده بود، برطرف نمی شد؛ زیرا بخشی از کنیزان، همچنان در ملک سادات بودند

و نقل هم نشده که سادات، سهم خود را حلال کرده اند.

اگر گفته شود امام نسبت به سهم سادات ولایت داشته، گرچه مال امام نبوده، می توانسته به شیعیان حلال کند، این همان مالک بودن است. مگر ملکیت، غیر از این حق دست یازی است. این که کسی می تواند مالی را بر دیگری ببخشد، نشانگر مالک بودن اوست.

۹. در صحیحۀ علی بن مهزیار آمده که شخصی با پرداخت خمس، به تنگنا و سختی می افتد، امام صادق (ع) تمام خمس را بر وی حلال می کند:

«من رجل یسألہ ان یجعله فی حلّ  
من مأكله ومشربه من الخمس  
فکتب بخطه من أعوزه شیء من  
حقی فهو فی حلّ. ۳۹۰»

۱۰. شیخ مفید از امام باقر (ع) نقل می کند که حضرت فرمود:

«کل شیء قوتل علی شهادة ان لا  
اله الا الله وان محمداً رسول الله،  
صلی الله علیه وآله، فان لنا  
خُمسہ ولا یحل لاحد ان یشتری  
من الخمس شیئاً حتی یصل الینا

روایات بسیاری داریم که خدای سبحان، در مال ثروت مندان، به اندازه نیاز نیازمندان، حق قرار داده است:

«ان الله عزوجل، فرض للفقراء فی مال الاغنیاء ما یسعهم ولو علم ان ذلک لایسعهم لزادهم.»<sup>۴۲</sup>

این، نشانگر سازواری بین اندازه مالیات با مورد هزینه است. چگونه امکان دارد درباره نیمی از خمس، این گونه بی سازواری باشد. اگر سادات، باید در هزینه کردن نیمی از خمس پیش داشته شوند، براساس دیدگاه غیر مشهور، که همه خمس از آن امام است، هم این مهم را می شود، با صلاح اندیشی امام، پاس داشت و هم سازواری بین انداز خمس و مورد هزینه را در همه حال، نگهداشت.

#### انگیزه فتوای مشهور

این دلایلها و گواهها، به روشنی ثابت می کنند که خمس، بسان انفال از سرمایه های ثابت مالیات بزرگ اسلامی است و در اختیار امام مسلمانان و هرگونه هزینه کردن آن، باید با اجازه امام باشد. این دیدگاه،

نصیباً.»<sup>۴۰</sup>

هر غنیمتی در جنگی که برای توحید؛ یعنی شهادت بر یگانگی خدا و رسالت پیامبر اسلام (ص) به دست آمده، خمس آن، از ماست و تا کسی حق ما را بر ما نرساند، نمی تواند از مال خمس چیزی بخرد.

۱۱. شیخ حر عاملی از زراره و محمد بن مسلم و ابوبصیر نقل می کند:

«ما حق الامام فی اموال الناس؟ قال: الفیء والانفال والخمس.»<sup>۴۱</sup>

۱۲. نکته دیگری که اگر شاهد و دلیل بر این دیدگاه نباشد، یاریگر آن خواهد بود، سازواری بین اندازه مالیات و مورد هزینه است. مالیات وقتی برای هزینه کردن در راه ویژه ای قرار داده می شود، باید اندازه آن، سازوار با هزینه باشد. این که نیمی از خمس، مال سادات تهی دست و دو گروه دیگر باشد، هیچ گونه سازواری با اندازه نیمی از خمس ندارد؛ زیرا نیمی از خمس، کل سرمایه های بخش خصوصی، چه سازواری با شمار اندک از سادات فقیر دارد؟

گرچه مخالف دیدگاه مشهور فقیهان شیعه است، لیکن با بررسی مدارک، روشن می شود که این دیدگاه، برابر است با معیارها و ترازهای اجتهاد و هیچ گونه کژی از راه اجتهاد درست و قانون مند و سامان مند ندارد.

معنای اجتهاد همین است که هر گروهی از صاحب نظران، برداشتی از منابع دارند و هر کس و هر گروه، امکان دارد در بررسی دلیلهای شرعی راه را بپوید. وقتی راه پویدنها و اجتهادها و بررسیها، با صناعت فقهی هماهنگی داشته باشد، هیچ گونه اشکال نخواهد داشت.

البته انگیزه فتوای مشهور، خود مقوله ای درخور بررسی ژرف و همه سویه که آیا تنها وجود روایات تقسیم خمس به شش سهم، سبب چنین فتوایی شده، یا این که عوامل سیاسی، اجتماعی جهان اسلام، بویژه تنگناها، دوری و برکناره از حوزه قدرت، فقر و تهی دستی خاندان پیامبر(ص) به خاطر مبارزات سیاسی و مورد خشم حکومت گران بودن و ... انگیزه چنین فتوایی مهم و نقش آفرین

این دلیلهای و گواهها، به روشنی ثابت می کنند که خمس، بسان انفال از سرمایه های ثابت مالیات بزرگ اسلامی است و در اختیار امام مسلمانان و هرگونه هزینه کردن آن، باید با اجازه امام باشد. این دیدگاه، گرچه مخالف دیدگاه مشهور فقیهان شیعه است، لیکن با بررسی مدارک، روشن می شود که این دیدگاه، برابر است با معیارها و ترازهای اجتهاد و هیچ گونه کژی از راه اجتهاد درست و قانون مند و سامان مند ندارد.

شده است.

در هر صورت، مهم دلیل فقهی است. براساس آیات و روایات و سیره پیامبر(ص) و امامان(ع)، خمس، حق زمامدار مسلمانان است؛ از این روی، بسیاری از فقیهان بنام این نگرش به مسأله را برابر دلیلهای شرعی می دانسته اند، گرچه، از فتوا و اظهار نظر برخلاف دیدگاه مشهور



می شود.

همو، در جای دیگر از کتاب جواهر می نگارد:

«لولا وحشة الانفراد عن ظاهر الاتفاق الاصحاح، لا يمكن دعوى ظهور الاخبار فى انّ الخمس جميعه للامام (ع)». ۴۵

اگر ترس از ناسازگاری با مشهور فقیهان نبود، می توان ادعا کرد که همه خمس، از امام (ع) است.

شیخ انصاری می نویسد:

«لا یبعد بملاحظتها القول بان تمام الخمس للامام (ع)». ۴۶

با ملاحظه روایات، دور نیست که گفته بشود، همه خمس از امام (ع) است.

امام خمینی می نویسد:

«من تدبر فى مفاد الآیه والروایات یظهر له ان الخمس لجمیع سهامه من بیت المال والوالی ولى التصرف فیه». ۴۷

کسی که در معنی و محتوای آیه خمس و روایات با دقت بیندیشد، این نکته بر وی آشکار می شود که تمام خمس، از

سرباز می زده و دوری می گزیده اند که به چند نمونه اشاره می کنیم:

ابوالصلاح حلبی، از فقیهان بنام قرن چهارم، می نویسد:

«یجب على كل من تعین علیه فرض زکاة او فطرة او خمس، او انفال ان یخرج ما وجب علیه من ذلك الى سلطان الاسلام المنسوب من قبله سبحانه». ۴۳

برکسی که حقوق مالی، مانند زکات، زکات فطره، یا خمس، یا انفال واجب می شود، باید به ولی امر مسلمانان، که از سوی خدای سبحان، گمارده شده، برساند.

شیخ محمد حسن نجفی، صاحب جواهر، می نویسد:

«یجب ایصال الخمس الى الامام (ع) حال حضوره كما هو المفهوم من النصوص والفتاوی». ۴۴

باید خمس را در زمان حضور امام (ع) به او رساند، همان گونه که از سخنان روشن و فتواها، این مطلب فهمیده و استفاده

امامان (ع) برای شیعه حلال شده است و واجب نیست پرداخت شود. در حدائق، این دیدگاه، به سلاّر دیلمی، صاحب ذخیره و ... نسبت داده شده است.<sup>۴۹</sup>

به این دیدگاه، پیش از این اشاره کردیم و یادآور شدیم، مخدوش است؛ زیرا تحلیل خمس، در شرایط خاص و مورد خاص، مانند ازدواج و ... بوده نه به گونه مطلق.

دیدگاه دوم: صاحب جواهر بر این باور است که خمس در زمان غیبت، حکم مال ناشناخته مالک (مجهول المالک) را دارد. مال، در دو مورد، حکم ناشناخته مالک را پیدا می کند:

۱. مالی که به هیچ روی، مالک آن شناخته نیست.

۲. مالی که مالک آن شناخته شده است، اما دسترسی به وی نیست.

روایات با لقطه، این مورد را نیز، از مالهای ناشناخته مالک می دانند که باید از سوی صاحب آن مال، صدقه داده شود.<sup>۵۰</sup>

صاحب جواهر درباره خمس

بیت المال است و ولی امر مسلمانان، اختیار هزینه آن را دارد.

### هزینه کردن خمس در دوران غیبت

این که در دوران غیبت، مسؤلیت هزینه کردن خمس با کیست، دیدگاههای گوناگونی وجود دارد. تنها شیخ یوسف بحرانی در حدائق، چهارده دیدگاه در این باره نقل می کند.

در این جا، ما، افزون بر دیدگاه مشهور، برای بهتر روشن شدن موضوع، چند دیدگاه دیگر را به بوته بررسی می نهم.

این دیدگاهها، با موضوع دیگر فقهی، پیوند دارند که آیا در زمان غیبت، کسی از فقیهان نیابت و ولایت تامه از سوی حضرت دارد، یا این که ولایت مطلق ثابت نیست. از این روی، موضوع ولایت، نقش زیادی در مورد هزینه کردن خمس و مسائل همانند آن دارد.

دیدگاه نخست: گروهی بر این باورند که بر اساس اخبار تحلیل، خمس در دوران غیبت، از سوی

می نویسد:

«واقوی من ذلک معامله معامله  
المال المجهول مالکه باعتبار  
تعذر الوصول الیه روحی له  
الفداء» ۵۱

چون امکان ندارد مال به مالک  
اصلی رسانده شود،  
دیدگاه قوی تر آن است که با آن،  
معامله مال ناشناخته مالک  
بشود.

فقیهان، بر صاحب جواهر خرده  
گرفته اند و گفته اند: آن گاه در مال  
ناشناخته مالک، حکم به صدقه دادن  
می شود که خشنودی وی در مورد  
هزینه، به دست نیاید و اگر دانسته شود  
هزینه کردن آن در چه راهی، سبب  
خشنودی وی می شود، نمی توان  
صدقه داد و باید در همان راهی هزینه  
کرد که خشنودی وی را فراهم آورد.

دیدگاه سوم: مشهور فقیهان بر این  
باورند که خمس، حکم مال ناشناخته  
مالک را دارد، لکن هزینه آن روشن  
است و باید به گونه ای هزینه شود که  
خشنودی صاحب مال فراهم آید.  
اینان، دلیلهای ولایت مطلقه فقیه را

ناتمام می دانند و برای هیچ کس در  
دوران غیبت، ولایت مطلقه باور  
ندارند و سرپرستی امور اجتماعی و  
سیاسی را هم، به گونه ای از باب امور  
حسیه درست می کنند.

اینان، چون هیچ گونه ولایتی برای  
فقیه در امور اجرایی باور ندارند،  
در مورد خمس می گویند: نیمی از آن،  
مال سادات است و صاحب مال، خود  
می تواند در راه سادات هزینه کند و  
فقیه، یا مرجع تقلید، هیچ گونه ولایتی  
نسبت به سهم سادات ندارد.

اما درباره سهم امام، بر این  
باورند: گرچه از دلیلهای نیابت و  
ولایت، ولایت فقیه و مرجع تقلید در  
امور اجرایی و در هزینه کردن خمس،  
به دست نمی آید، لیکن چون از یک  
سوی واجب بودن پرداخت وجود دارد  
و از دیگر سوی، رساندن خمس به  
مالک و صاحب اصلی، نشاید، از  
مذاق شرع به دست می آید که در  
جاهایی که خشنودی ولی عصر(ع)  
باشد، باید هزینه شود.

دیدگاه چهارم: گروهی از فقیهان  
بزرگ و نامور، بر این باورند که در

که آیا هزینه کردن خمس و اختیار داشتن بر آن، در دوران غیبت، چه حاکم عادل بر سر کار باشد و چه نباشد، یکسان است؟

آیا بر اساس دو دیدگاه، ولایتی و رضایتی، هر مرجع تقلید، بر خمس ولایت دارد و یا هر مرجع تقلید، خمس را بر اساس دیدگاه خود، هزینه کند، خوشنودی حضرت ولی عصر (عج) حاصل است، با این که در زمان حکومت اسلامی، راه دیگری را باید پیمود؟

### دیدگاه ولایتی

بی گمان، بر اساس دیدگاه ولایتی، در زمانی که فقیه عادل، حاکم نباشد و حکومت اسلامی، عهده دار امور مردم نباشد، ممکن است هر فقیه عادل، در حوزه و بخشی که مردم به وی دسترسی دارند و به او مراجعه می کنند و دارای شرایط است، ولایت داشته باشد. یا این که خود وی در آن منطقه حضور ندارد، اما مردم به وی مراجعه می کنند و شرایط را هم دارد، برای جلوگیری از هرج و مرج و سامان یافتن امور

دوران غیبت، ولی فقیه دارنده همه شرطها و ویژگیها، به تمام امور مسلمانان، از جمله خمس، ولایت دارد و حکم خمس در دوران غیبت، با دوران حضور، هیچ گونه فرقی ندارد. اگر در زمان حضور امام، رساندن خمس به حضرت واجب است، در زمان غیبت هم، به خاطر ولایت مطلقه فقیه، خمس باید به دست ولی فقیه برسد و زیر نظر رهبر امت اسلامی و اختیاردار امور مسلمانان هزینه شود. این دسته از فقیهان، در سهم امام، روی این نظر اتفاق دارند، گرچه امکان دارد در سهم سادات دیدگاه دیگری داشته باشند؛ یعنی بشود به گونه مستقیم در راه سادات هزینه کرد. ولی چون بررسی شد که تمام خمس، از آن امام است، از این روی، بر اساس دیدگاه ولایت مطلقه فقیه، همه خمس، در اختیار ولی فقیه قرار می گیرد، تا به هر گونه که صلاح دانست، هزینه کند.

### خمس در حکومت اسلامی

اکنون، این پرسش به میان می آید

سهم امام باید به مرجع اعلم و آگاه به مسائل و نیازمندیها پرداخت شود؛ زیرا بهترین و نزدیک ترین و یقینی ترین راه و روش برای به دست آوردن خشنودی حضرت ولی عصر (عج) است؛ از این روی، حتی اگر صاحب مال اصرار ورزد که خشنودی حضرت را با هزینه کردن مستقیم به دست می آورد، روا نمی دانند که صاحب مال به هزینه کردن آن بپردازد.

این سخن، در آن گاه که حکومت اسلامی نباشد و ولی فقیه دارای همه شرایط بر سرکار نباشد، شاید در خور پذیرش باشد، اما آیا با وجود حکومت اسلامی و با وجود ولی فقیه گشاده دست و با قدرت، این خط مشی پذیرفتنی است؟

آیا خشنودی ولی عصر (عج) باز به همین صورت، به دست می آید؟

بله در زمان نبود ولی فقیه عادل دارای قدرت بر سر کار، این روش کار آمد بوده و در طول تاریخ، حوزه های علمیه را سرپا داشته و از گزندها به دور نگه داشته و در این، تردیدی نیست، لیکن سخن در زمان حکومت اسلامی

مردم، تنها حکم وی نافذ است و دیگر فقیهان ولایت ندارند.

این سخن، در جایی است که حکومت اسلامی نباشد و اما اگر حکومت اسلامی بر پا باشد و جامعه بر اساس دستورها و آئینها و قانونهای دین اداره شود، تنها حاکم جامعه اسلامی که فقیه عادل و دارای شرایط است، ولایت دارد و هیچ فقیه دیگر، ولایت ندارد و در این صورت، تمامی امور مسلمانان، از جمله بخش اقتصادی و مالیات خمس، زیر نظر او و در اختیار او خواهد بود و خمس باصلاح دید وی هزینه می شود.

### دیدگاه رضایتی

صاحبان این دیدگاه، بر این باورند که در هزینه کردن خمس، باید خشنودی حضرت ولی عصر (عج) به دست آید.

برابر باور اینان، خمس باید به گونه ای هزینه شود که سبب گسترش دین و عزت شیعه بشود.

اینان، در زمان غیبت و نبود حکومت اسلامی، بر این باورند که

مال، ساخته نیست و باید مراجع عظام تقلید به این کار پردازند؛ از این روی، بهترین روش، تحویل خمس به مراجع تقلید و هزینه کردن آنان در راه نشر دین و تربیت طالب علمان است.

۲. اگر خمس را مراجع تقلید دریافت کنند و در موارد آن به مصرف رسانند، جلوی هدر رفتن سرمایه های عمومی و بیت المال گرفته می شود؛ ولی اگر صاحبان مال به هزینه کردن خمس پردازند، از آن جا که نه شناخت روی نیازهای فرهنگی و علمی دارند و نه نیروهای علمی و فرهنگی را می شناساند و نه شناختی از جبهه دشمن دارند، هم سرمایه بسیار بزرگ خمس را تباه می سازند و هم چه بسا کارهایی که آنان انجام می دهند، از آن جا که شناختی ندارند و آشنای به امور نیستند، بیهوده و ناکارآ و گاه ویران گر باشد.

۳. در روایات خمس، به این نکته اشاره شده: که خمس، کمک به اقامه دین، فراهم آوردن عزت و سربلندی متولیان دین است: «ان الخمس عوننا علی دیننا و علی عیالنا.»

است. سخن در این است که بر اساس همین دیدگاه رضایتی هم، تنها در صورتی دست یازیدن به خمس رواست که خشنودی حضرت ولی عصر (عج) به دست آید.

آیا رضایت حضرت، در دوران برقراری حکومت عدل اسلامی و حاکمیت فقیه دارنده همه شرایط، به همان روش کهن که باورمندان به دیدگاه رضایتی در پی آنند، به دست می آید؟

باورمندان دیدگاه رضایتی، معیارها و ترازهایی برای فرانمایی خشنودی حضرت ارائه داده اند که در این جا به یادکرد آنها می پردازیم.

۱. نشر معارف اسلامی، خواست حضرت و خشنود کننده اوست و این خواست و هدف، با دایر کردن حوزه های علمیه و تربیت طلاب و دانش پژوهان دینی، مبارزه با اندیشه های ضد دینی، انجام می پذیرد. سامان دادن به این مهم و اداره چنین مراکز علمی و هزینه کردن خمس در راه مقدس تعلیم و تربیت سنگربانان دین، از عهده صاحبان

دوران حاکمیت اسلام و قدرت مندی و گشاده دستی ولی فقیه، مراجع گوناگون، که هر کدام خود را اعلم می دانند، خمس را بگیرند و با سلیقه و برابر نظر خود هزینه کنند، بیش تر انسان آرامش می یابد که خوشنودی امام زمان (عج) به دست آمده و ذمه ها بری شده، یا همین خمس را حاکم اسلامی بگیرد و بایک روش، به گونه دقیق، برنامه ریزی شده و براساس نیازها و ... هزینه کند؟

آیا عزت، بزرگی، شکوه حوزه ها، با مدیریت و اشراف و اداره و برنامه ریزی ولی فقیه آشنا به مسائل جهانی و عزتها و ذلتها، راهها و کژراهه ها، تحقق می یابد و جلوه گر می شود، یا با مدیریتهای سلیقه ای، ناسامان مند و هزینه کردن خمس، در راههای ناهمسو و ناهماهنگ با هدفهای عالی، راستین و رخشان اسلام؟

آیا ولی فقیه و رهبر عالی اسلامی، به جهان اسلام و مسائل جهانی آشنایی بیش تر، دقیق تر و کارشناسانه دارد و آگاهی دارد که چه نیروهایی باید تربیت

از این روی، هزینه ساختن خمس، باید به گونه ای باشد که اقامه دین کند و سبب سربلندی و عزت حوزه ها و عالمان دین باشد، که این مهم در صورتی جامه عمل می پوشد که خمس در دست خبرگان، آگاهان، عزت مداران و تلاش کنندگان در راه سربلندی دین و عالمان دین، باشد که همان مراجع بزرگ تقلیدند.

۴. آشنایی و شناخت سزاوارترها و شایسته ترین و بایسته ترین کارها: از دیگر معیارها و ترازهایی که برای فرمانمایی خوشنودی حضرت ولی عصر (عج) ارائه شده، این که مرجع تقلید، بویژه اگر اعلم باشد، به موارد هزینه، به گونه ژرف، همه سویه، دقیق و کارشناسانه آشنایی دارد، که صاحب مال و غیر اعلم، چنین آشنایی را نخواهد داشت؛ از این روی آن گاه خوشنودی امام (ع) به دست می آید و براءت ذمه حاصل می شود که صاحبان مال، خمس خود را به مرجع اعلم پردازند.

### نقد و بررسی

اکنون، پرسش این است که آیا در

آن بردازند، در حالی که رهبری جامعه اسلامی وجود دارد و بسیاری از گرهها را اینک او باید بگشاید و او باید زمینه را برای عزت و شکوه مسلمانان و حوزه‌ها، فراهم آورد؟

آیا امام زمان خشنود است که خمس، چنین پراکنده دریافت و چنین نابسامان هزینه شود؟

یا خشنودی امام زمان به این است که این سرمایه بزرگ و کارآمد، به گونه متمرکز، هماهنگ و همسو، به کار گرفته شود و بسیاری از نابسامانیها سامان بیابد و نیروهای کارا و با استعداد آموزش داده و پرورش بیابند و نیازهای آنان برآورده شود و شبهه‌ها پاسخ داده شود و برای بیدارگری دینی و آگاهانیدن مردم، برنامه ریزی شود و ....

#### پاسخ به یک شبهه

این که شماری شبهه افکنده می افکنند اگر حوزه‌ها زیر نظر و اشراف ولایت فقیه باشد، وابسته دولت می شود و وابستگی به دولت آن را از کارآمدی می اندازد و ... سخنی

شوند، تا نیازهای تبلیغی، ارشادی، فرهنگی، علمی و ... را برآورند، یا کسانی که دستی از دور بر آتش دارند؟ اگر معیار و تراز خشنودی حضرت، این گونه مسائل است که بیان شد، به طور قطع، حتی به دید رضایتیها، ولی امر مسلمانان، سزاوارتر و شایسته تر است برای دریافت و هزینه خمس، آیاهمان سخنی که صاحبان دیدگاه رضایتی، درباره صاحبان مال گفته اند که: باز شناخت مورد خمس از سوی آنان ملاک نیست و نمی توانند خود خمس را هزینه کنند، چون روشن نیست که خشنودی امام زمان (عج) به دست آید و ذمه بری شود، درباره افرادی که اکنون از مردم خمس را دریافت و هزینه می کنند، جریان ندارد؟

آیا نمی شود گفت: همان گونه که صاحبان مال نمی توانند خمس را دریافت و هزینه کنند، چون باز شناخت آنان ملاک نیست و خشنودی امام زمان (عج) را به دست نمی آورد و ... مراجع گوناگون هم نمی توانند خمس را دریافت کنند و به سلیقه خود به هزینه



است نادرست؛ زیرا:

نخست آن که: وابستگی به ولایت فقیه، وابستگی به دولت نیست. در نظام اسلامی همه نهادها و ارگانها و از آن جمله دولت، مشروعیت خود را از ولایت فقیه می گیرند و وابسته به این نهاد مقدس اند.

دو دیگر: وابستگی حوزه به ولایت فقیه، به هیچ روی حوزه را از بالندگی و شکوفایی باز نمی دارد، بلکه با بیانی که گذشت؛ رهبری چون شناخت همه سویه از جهان امروز دارد و نیازها را می داند و دشمن را دقیق می شناسد و از برنامه های آنان آگاهی دارد و می داند که چگونه باید برنامه ریزی کند، تا حوزه بازوی پرتوان اسلام باشد، حوزه روز به روز رشد می کند و به هدفها و آرمانهای خود، با شور و هیجان بیش تر نزدیک می شود.

سه دیگر: حوزه زیر نظر و اشراف و رهبری ولی فقیه، حوزه وابسته نیست، بلکه سامان دارد، برنامه دارد، و با یک آهنگ در حرکت است و در پویش و... اما حوزه پراکنده و

این که شماری شبهه افکنده و می افکنند اگر حوزه ها زیر نظر و اشراف ولایت فقیه باشد، وابسته دولت می شود و وابستگی به دولت آن را از کارآمدی می اندازد و... سخنی است نادرست؛ زیرا:

نخست آن که: وابستگی به ولایت فقیه، وابستگی به دولت نیست. در نظام اسلامی همه نهادها و ارگانها و از آن جمله دولت، مشروعیت خود را از ولایت فقیه می گیرند و وابسته به این نهاد مقدس اند.

دو دیگر: وابستگی حوزه به ولایت فقیه، به هیچ روی حوزه را از بالندگی و شکوفایی باز نمی دارد، بلکه با بیانی که گذشت؛ رهبری چون شناخت همه سویه از جهان امروز دارد و نیازها را می داند و دشمن را دقیق می شناسد و از برنامه های آنان آگاهی دارد و می داند که چگونه باید برنامه ریزی کند، تا حوزه بازوی پرتوان اسلام باشد، حوزه روز به روز رشد می کند و به هدفها و آرمانهای خود، با شور و هیجان بیش تر نزدیک می شود.

## پانوشتها:

۱. «مقننه»، شیخ مفید/۴۵، انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین.
۲. «جوامع الفقهیه»/۱۵۵.
۳. «کتاب الخلاف»، شیخ طوسی، ج ۲/۳۴۰، انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین.
۴. «جوامع الفقهیه»/۵۰۷.
۵. همان مدرک/۷۱۸.
۶. «الکافی فی الفقه»، ابی الصلاح حلبی/۱۷۳.
- ۷.
۸. «قواعد الاحکام»، علامه حلبی، ج ۱/۶۲.
۹. «جواهر الکلام»، شیخ محمد حسن نجفی، ج ۱۶/۸۴، متن شرایع، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۱۰. «حدائق الناضره»، شیخ یوسف بحرانی، ج ۱۲/۳۶۹، انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین.
۱۱. «جواهر الکلام»، ج ۱۱/۸۴.
۱۲. «عروة الوثقی»، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، قسمة الخمس/۴۴۶، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۳. سوره «انفال»، آیه ۴۱.
۱۴. سوره «توبه»، آیه ۶۰.
۱۵. «اصول کافی»، ثقة الاسلام کلینی،

سرگردان در بین بیوت و زیر نظر و اشراف کانونهای گوناگون و با سلیقه های جور و اجور، در حقیقت وابسته است، وابسته به امیال و هوسها و سلیقه ها و اندیشه ها و چنین حوزه ای راه به جایی نخواهد برد.

بر خلاف پندار شماری از کوتاه اندیشان، اگر در گذشته حوزه کارآمدی داشته و افتخار آفریده، نه به خاطر رها و بی سرپرست و آزاد بودن آن بوده که به خاطر تمرکز و زیر نظر و اشراف مرجع کل، که اعمال ولایت هم می کرده بوده است. مرکز تحقیقات متون کلامی حوزه در گذشته هرگاه نقشی آفریده، حرکتی کرده، چون بیش تر از یک کانون تغذیه کرده و از یک کانون دستور گرفته و بر یک ایده و عقیده گردن نهاده است.

آنچه در این نوشته آمد، یک تحقیق فقهی بود، با نگاهی احترام آمیز به همه دیدگاهها و قدردانی و سپاسگزاری از همه فقیهان نامور و برجسته شیعه که در خدمت به فقه شیعه و آثار اهل بیت، از جان مایه گذاشتند و میراث گرانبهایی برای اسلام و شیعه، به جای گذاردند.

- ج ۱/۵۳۸، دارالتعارف، بیروت.
۱۶. «تهذیب الاحکام»، شیخ طوسی، ج ۱/۴۱۷، دارالتعارف، بیروت؛ «وسائل الشیعه»، ج ۶/۳۵۹.
۱۷. «وسائل الشیعه»، شیخ حرعاملی، ج ۶/۳۶۰، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۱۸. «تهذیب الاحکام»، ج ۱/۴۱۷؛ «وسائل الشیعه»، ج ۶/۳۵۶.
۱۹. «وسائل الشیعه»، ج ۶/۱۹۱.
۲۰. سورة «حشر»، آیه ۷.
۲۱. «اختیار معرفة الرجال، المعروف برجال الکشی»، شیخ طوسی، تصحیح و تحقیق حسن مصطفوی / ۴۳۶، دانشگاه مشهد.
۲۲. همان مدرک/۵۹۷.
۲۳. همان مدرک/۵۱۴.
۲۴. همان مدرک/۴۸۳.
۲۵. همان مدرک/۵۱۴.
۲۶. «بحار الانوار»، علامه مجلسی، ج ۵/۱۰۵، مؤسسه الوفاء، بیروت.
۲۷. همان مدرک/۷۳؛ «اختیار معرفة الرجال»/۶۰۷.
۲۸. «بحار الانوار»، ج ۵/۱۸۵.
۲۹. «اختیار معرفة الرجال»/۶۰۸.
۳۰. «وسائل الشیعه»، ج ۶/۳۶۰.
۳۱. همان مدرک/۳۶۵.
۳۲. همان مدرک/۳۸۳.
۳۳. همان مدرک/۳۶۱.
۳۴. همان مدرک/۳۷۵.
۳۵. همان مدرک/۳۴۰.
۳۶. همان مدرک/۳۶۹.
۳۷. همان مدرک/۳۶۲.
۳۸. همان مدرک/۳۸۳.
۳۹. همان مدرک/۳۷۹.
۴۰. همان مدرک/۳۷۸.
۴۱. همان مدرک/۳۷۳.
۴۲. همان مدرک/۳.
۴۳. «الکافی فی الفقه»، ابی الصلاح حلبی / ۱۷۲.
۴۴. «جواهر الکلام»، ج ۱۶/۱۰۹.
۴۵. همان مدرک/۱۵۵.
۴۶. «کتاب الخمس»، شیخ انصاری/۳۳۶، کنگره شیخ انصاری.
۴۷. «کتاب البیع»، امام خمینی، ج ۴۹۵/۲، اسماعیلیان، قم.
۴۸. «حدائق الناضرة»، ج ۱۲/۴۳۷.
۴۹. همان مدرک/۴۳۸.
۵۰. «وسائل الشیعه»، ج ۱۷/۳۵۷.
۵۱. «جواهر الکلام»، ج ۱۶/۱۷۷.
۵۲. «وسائل الشیعه»، ج ۶/۳۷۵.